

بررسی تطبیقی مولفه‌های حقوق شهروندی در قوانین اساسی

ایران، مصر و تونس

وحید خانی^۱

محمد مظہری^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۵/۱۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۴/۲۲

چکیده

حقوق شهروندی در قوانین اساسی از درجه‌ی والایی برخوردار است. وجود آزادی‌های عمومی و حقوق شهروندی جزو شروط پایه‌ای تشکیل حکومت‌های مردم‌سالار است که در اعلامیه‌های حقوق بشری بر ضمانت و صیانت از آنها تاکید می‌شود. شکل‌گیری جنبش دستورگرایی و تحدید اختیارات حکومت‌های خودکامه از نقاط عطف توجه به قوانین اساسی و نهضت‌های منطبق بر حقوق شهروندی است هر سه کشور ایران، مصر و تونس دارای اشتراکات دینی، فرهنگی و باستانی متعدد هستند، به ویژه ایران و مصر که از لحاظ تاریخی جزو بزرگترین تمدن‌های باستان بوده‌اند و هر سه کشور انقلاب و دگرگونی سیاسی را تجربه کرده‌اند. پژوهش حاضر با نگرش اجمالی به بررسی تطبیقی مهم‌ترین مولفه‌های حقوق شهروندی در قوانین اساسی ایران، جمهوری عربی مصر و جمهوری تونس، پرداخته است و به این یافته کلی رسیده است که مولفه‌های مهم حقوق شهروندی در قوانین اساسی هر سه کشور تحت عنوان فصول ویژه مورد توجه بوده است گرچه تطابق کامل با معیارهای بین‌المللی و اسناد حقوق بشری مشاهده نگردید.

کلید واژگان: بررسی تطبیقی، حقوق شهروندی، قانون اساسی، جمهوری مصر، ایران، تونس.

^۱ (نویسنده مسئول) کارشناسی ارشد حقوق عمومی دانشگاه تبریز vahidkhani313@yahoo.com

^۲ استادیار گروه حقوق عمومی دانشکده حقوق و علوم اجتماعی دانشگاه تبریز

مقدمه

جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۹۷۸ میلادی پس از انقلاب مردم ایران و پس از نظام پادشاهی مشروطه شکل گرفت و جمهوریت را به عنوان اساس این حکومت پذیرفت، به طوری که در شعارهای انقلابیون و سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های رهبران آن، پذیرش جمهوریت و نوع حکومت بعدی کاملاً روشن و هویدا بود در کشور باستانی و پهناور مصر نیز که همواره تحولات عمیق سیاسی و اجتماعی را تجربه کرده است پس از انقلاب ۲۵ ژانویه ۲۰۱۱ میلادی، قانون اساسی جدید توسط مجلس موسسان قانون اساسی تدوین و در یک همه‌پرسی عمومی به تصویب مردم این کشور رسید (مظهری و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۱). هر دو کشور ایران و مصر دارای ابعاد تاریخی فراوان و قدمت باستانی عمیق هستند. و دین اسلام از گذشته‌های دور در هر دو کشور حضور داشته و هر دو کشور وقوع انقلاب سیاسی و تغییر نوع حکومت‌ها را تجربه کرده‌اند. جمهوری تونس نیز در شمال آفریقا، کشوری کهنسال در کنار دریای مدیترانه است و به دلیل نزدیکی به جغرافیای اروپا و آشنایی اکثریت مردمان این کشور با زبان فرانسه، احزاب، سندیکاها و مطبوعات جایگاه قابل توجهی در این کشور دارند. همانند دو کشور ایران و مصر، تونس نیز انقلاب سیاسی را تجربه کرده است و جرقه‌ی بهار عربی از تونس با خودسوزی جوانی به نام «محمد ابو عزیزی» به سایر کشورهای عربی منطقه رسید. سرانجام پس از کشمکش‌های فراوان پس از سقوط «زین العابدین بن علی» قانون اساسی جدید تونس در ۲۶ ژانویه ۲۰۱۴ میلادی در شورای ملی قانونگذاری انتقالی به تصویب رسید (مظهری و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۳). انقلاب ایران، تونس و مصر، تحولات زیادی را در مناسبات سیاسی و اجتماعی این کشورها ایجاد کرده است و هدف این قوانین اساسی رهایی از زیر یوغ ظلم و استکبار هیئت‌های حاکمه‌ی قبلی بوده است.

یکی از مؤلفه‌های مهم اجتماعی، سیاسی و حقوقی دولت مدرن در جهان معاصر، جایگاه و حقوق و امتیازات شهروندان است. به دنبال تحولات اجتماعی و انقلابهای سیاسی در دو قرن گذشته و فروپاشی بنیان حکومت‌های خودکامه و پیدایش مفاهیم جدید در ادبیات سیاسی و حقوقی، دوره‌ی جدیدی در تجربه تاریخی بشر رقم خورد. پیدایش مجالس قانونگذاری، تفکیک قوای حکومتی،

تحدید قدرت سیاسی و ظهور قوانین اساسی به عنوان میثاقی عمومی میان حاکمیت سیاسی و شهروندان، افق نوینی را در تنظیم و شفافیت روابط متقابل دولت و شهروندان گشود و حقوق و امتیازات شهروندان در قوانین اساسی دولتهای جدید جایگاهی ممتاز یافت. در کشور ایران که یک قرن پیش شاهد انقلاب مشروطه جهت تحدید قدرت سیاسی و احیای حقوق و آزادیهای مشروع مدنی بود، اولین قانون اساسی مدون تنظیم و سپس در متمم آن ابواب بیشتری از جمله در حوزه ی حقوق و امتیازات شهروندی ملاحظه و تصویب شد. پیدایش دولت مطلقه در عصر پهلوی کار کرد و کارآمدی قانون اساسی را با چالش مواجه ساخت. با وقوع انقلاب اسلامی ایران، دومین قانون اساسی مدون در سال ۱۳۵۸ به تصویب رسید. در قانون اساسی جدید به منظور نهادینه کردن حقوق و امتیازات ملت که شامل آحاد مردم ایران از اقوام و ادیان و مذاهب گوناگون بود، فصل جداگانه و مهمی در نظر گرفته شد (احمدی طباطبایی، ۱۳۸۸: ۴)

حقوق شهروندی و آزادی های عمومی از جمله موضوعاتی هستند که از اولین جنبش های قانون اساسی گرایی مورد توجه بوده اند (قاضی شریعت پناهی، ۱۳۸۹: ۱۴۱) و امروزه می توان مدعی بود که فلسفه ی شکل گیری تمام نهادها و ارکان سیاسی در حفاظت از حقوق ملت و آزادی های فردی است (مدنی، ۱۳۸۸: ۱۸۵) بنابراین با توجه به اهمیت وافر آزادی های شهروندی و جمهوریت هر سه نظام سیاسی پس از انقلاب و اشتراکات تاریخی و دینی متعدد در ایران و جوامع عربی تونس و مصر، در پژوهش حاضر به بررسی تطبیقی مهم ترین مولفه های شهروندی مصرح در قوانین اساسی جمهوری اسلامی ایران، جمهوری عربی مصر و تونس پرداخته شده و سعی گردیده است تا با نگاه تطبیقی - تحلیلی مورد کنکاش قرار گیرد. مقاله ی حاضر در سه گام بررسی تاریخیچه قوانین اساسی ایران، مصر و تونس، تحولات حقوق شهروندی و رویکرد تطبیقی در حوزه ی حقوق شهروندی به قوانین اساسی هر سه کشور به رشته تحریر درآمده است.

۲-۱- تاریخچه‌ی قوانین اساسی ایران، جمهوری عربی مصر و تونس

پس از پیروزی انقلاب اسلامی مردم ایران در ۲۲ بهمن ماه سال ۱۳۵۷ ه.ش، با فرمان امام خمینی (ره) خطاب به مهندس مهدی بازرگان نخست وزیر دولت موقت، این دولت موظف شد طرح اولیه‌ی قانون اساسی را در اختیار افکار عمومی قرار دهد تا مورد نظر و بررسی صاحب نظران و اندیشمندان قرار بگیرد و مجلس متشکل از نمایندگان مردم با توجه به تمامی پیشنهاد های مفید دریافت شده، مواد قانون اساسی را به صورت نهایی بررسی و تنظیم نماید و سعی کند که در آن کلیه‌ی حقوق و آزادی ها و فرصت های رشد و تعالی و استقلال ملت بر مبنای موازین اسلامی که ضامن حقوق همه افراد است و اکثریت قریب به اتفاق مردم ایران بدان رای مثبت داده است، پیش بینی گردد^۱.

با توجه به چنین فرمانی در ۱۲ مرداد سال ۱۳۵۸، انتخابات مجلس خبرگان قانون اساسی با حضور گرایشات فکری متفاوت انجام گرفت و ۷۵ نفر به عنوان نمایندگان مجلس خبرگان قانون اساسی انتخاب شدند. سرانجام پس از سه ماه بررسی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در دوازده فصل و یکصد و هفتاد و پنج اصل تدوین و در تاریخ ۱۳۵۸/۸/۲۴ با اکثریت دوسوم مجموع نمایندگان به تصویب نهایی رسید و در مورخ ۱۳۵۸/۹/۱۲ در همه پرسى عمومی به تایید ملت ایران رسید. پس از ده سال حیات قانون اساسی مصوب سال ۱۳۵۸، با فرمان امام خمینی (ره) به رئیس جمهور وقت و تعیین اعضای ۲۰ نفره شورای بازنگری قانون اساسی و تعیین حدود بازنگری، قانون اساسی مورد بازنگری قرار گرفت و سرانجام اصلاحیه‌ی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در همه پرسى مورخ ۱۳۶۸/۵/۶ مورد تأیید ملت ایران قرار گرفت و از آن تاریخ تا به امروز قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هیچ بازنگری را به خود ندیده است.

سرزمین پهناور و تاریخی مصر دوران سیاسی و اجتماعی فراوانی را تجربه کرده است. مصر یکی از بزرگترین کشورهای اسلامی است که از نظر تاریخی با کشورهای عربی منطقه تفاوت های بنیادی در نظام سیاسی داشته است (آقایی طوق و همکاران، ۱۳۹۱: ۲). اولین قانون اساسی مصر در

^۱ فرمان امام خمینی (ره) به نخست وزیر دولت موقت مورخ، ۱۳۵۸/۳/۴.

سال ۱۹۹۳ م به نگارش درآمد اما بعد از آن در سال های ۱۹۵۶م، ۱۹۵۸م، ۱۹۶۴ و ۱۹۷۱ م مورد بازنگری های کلی و جزئی قرار گرفت (کعبی و همکاران، ۱۳۹۱: ۶۹) پس از حکومت محمد حسنی مبارک، چهارمین رئیس جمهور مصر و سقوط وی در انقلاب ۲۵ ژانویه ۲۰۱۱ م، مجلس موسسان قانون اساسی تشکیل و به همه پرسی عمومی گذارده شد و محمد مرسی به عنوان اولین رئیس جمهور قانون اساسی ۲۰۱۲ م انتخاب گردید؛ اما دوران ریاست جمهوری محمد مرسی، دیری نپایید و با کودتای ارتش مصر از قدرت خلع شد و این بار نوبت به مجلس موسسان دوم و تدوین قانون اساسی ۱۴ و ۱۵ ژانویه ۲۰۱۴ م رسید. دوران کوتاه انقلاب سال ۲۰۱۱ م تا ۲۰۱۴ م و تصویب قانون اساسی دوم دارای تحولات فراوان و سریعی بوده است که ویژگی هر انقلابی است. اما این سرعت و حاکمیت هیجان و احساسات بر اتفاقات انقلاب ۲۵ ژانویه باعث نشده است که حقوقدانان و سیاست مداران با سابقه ی مصر از احترام به حقوق ملت و آزادی های شهروندی باز بمانند. قانون اساسی مصوب ۱۴ و ۱۵ ژانویه ۲۰۱۴ م در باب سوم - فصل سوم توجه جدی به حقوق ملت داشته است.

تونس نیز به عنوان یک کشور عربی در شمال آفریقا، جایگاه بی بدیلی در تحولات جهان عرب داشته است. تونس که روزگاری مستعمره فرانسه بود پس از رهایی از یوغ استعمار در ۱۹۵۶ م به استقلال رسید و پس از انقلاب ۲۰۱۱ م، قانون اساسی جدید خود را با محوریت یک نظام دموکراتیک مشارکتی قانونمدار بر پایه ی انتقال مسالمت آمیز قدرت به واسطه ی انتخابات آزاد پدید آورد.

ایران، تونس و مصر یک دوره ی گذار و عبور از حکومت های تمامیت خواه و دیکتاتوری داشته اند و بسیاری از تلاش ها برای گذار دموکراتیک در جهت رسیدن به یک حاشیه از آزادی و اعتقاد به استقرار نظام های دموکراتیک در نظام بین المللی مدرن، توسط مفاهیم باستانی و مدرن دموکراسی به یک میزان کشور های عربی را تحت الشعاع قرار داده است (جبابلیه، ۲۰۱۷: ۳۹۸) که در شمال آفریقا، مصر و تونس نیز از آن مستثنی نبوده است.

۳-۱- تحولات حقوق شهروندی

حقوق ملت و آزادی‌های شهروندی از مباحث محوری هر نظام سیاسی است که در قانون اساسی نظام‌های سیاسی بر آن تاکید می‌شود و کشور‌های مختلف می‌کوشند تا آن را سرلوحه قانون اساسی و درخشان‌ترین فصل آن قرار دهند. (سراجی، ۱۳۸۸: ۱۱) حقوق ملت و وجود حقوق و آزادی‌های شهروندی جزو شروط پایه‌ای تشکیل حکومت‌های مردم‌سالار جدید است، به زبان دیگر زمانی همه مردم می‌توانند در شکل‌گیری رژیم‌ها و حکومت‌ها مداخله داشته باشند که از این حقوق حداقل برخوردار گردند، بی‌اعتنایی به این حقوق از سوی حکومتها و زورمداران، استقرار حکومت مردم‌را ناممکن می‌کند به طوری که ادعای دموکراسی بدون آنها پوچ و بی‌اعتبار است (قاضی شریعت پناهی، ۱۳۹۵: ۱۳۰) از نظر تاریخی انگلیسی‌ها اولین کسانی بوده‌اند که به حقوق ملت توجه نموده‌اند در این خصوص می‌توان به منشور بزرگ (ماگنا کارتا) سال ۱۲۱۵م، عریضه‌ی حقوق سال ۱۶۲۷م، قانون هابناس کورپوس سال ۱۶۷۹م، مصوبه‌ی حقوق سال ۱۶۷۹م و همچنین قانون استقرار سال ۱۷۰۱م اشاره کرد. (عباسی، ۱۳۹۴: ۳۰) در فرانسه نیز حقوق ملت با وقوع انقلاب فرانسه مورد توجه فراوان انقلابیون قرار گرفت و مفاد اعلامیه حقوق بشر و شهروند فرانسه تا حد زیادی متأثر از آن بود (پروین، ۱۳۹۳: ۲۹۶) تاریخ حیات اجتماعی بشر مشحون از تحولات و دگرگونی‌های خرد و کلان اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و حقوقی است. تحولاتی که خواسته یا ناخواسته، برنامه‌ریزی شده یا خودجوش، باعث تغییرات شگرف در ابعاد مختلف زندگی اجتماعی بشر شده است. یکی از راه‌های صعب‌العبور که جهت ایجاد تغییر در روند زندگی اجتماعی، اقتصادی، حقوقی و سیاسی آدمیزادگان، انقلاب است. در نظام‌های کهن و باستانی و همچنین در اندیشه‌های کلاسیک سیاسی و اجتماعی، مفهوم انقلاب و حرکت‌های شتاب‌آلود و رادیکال به منظور ایجاد تحولات بنیادی در جامعه با مفهوم امروزی آن تفاوت عمده داشت. در گذشته انقلاب‌های اجتماعی را بدان سبب که باعث برهم خوردن نظم و امنیت و آشوب و هرج و مرج می‌شد با نگرشی بدبینانه مورد ارزیابی قرار می‌دادند. مفهوم سنتی انقلاب در ادبیات سیاسی و اجتماعی، بیش از آن که با حرکت‌های تکاملی و تاریخ ساز ارزیابی گردد به عنوان “شورش” و

خطری تهدید کننده ی منافع و مصالح عمومی و که امنیت اجتماعی بود مورد ملاحظه قرار می گرفت. (احمدی طباطبایی، ۱۳۸۸: ۵) در هر سه کشور ایران، مصر و تونس دگرگونی سیاسی حقوقی اتفاق افتاده که چنین دگرگونی تحول ساز حقوق سیاسی اجتماعی به ویژه حقوق شهروندی بوده است

۱. مهم ترین مولفه های حقوق شهروندی

۱-۱. حق حیات و آزادی تن

زندگی یکی از حقوق فطری و طبیعی انسان است و آن پایه و اساس تمام حقوق انسانی به شمار می رود، زیرا همه حقوق قائم به وجود خود انسان است و بدون آن هیچ حقی برای شخص معنا و مفهوم ندارد (طباطبایی مومنی، ۱۳۹۴: ۲۹) زندگی موهبتی است ذاتی که خداوند آن را به بشر ارزانی داشته است و هیچ فرد یا حکومتی نمی تواند این حق را از افراد سلب کند و صیانت از جان و زندگی افراد، یکی از وظایف اصلی حکومت هاست (همان، ۱۳۹۴: ۲۹) در ماده ی سوم اعلامیه ی جهانی حقوق بشر نیز در ارتباط با حق حیات این چنین آمده است: «هرکس حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی دارد». بنابراین بدون هیچ تردیدی، وجود حیات و بقا برای انسان امکان تمتع او از سایر حقوق را فراهم خواهد نمود و حق حیات برجسته ترین و بدیهی ترین حقی است که باید برای انسان مورد شناسایی و پذیرش قرار گیرد در ادیان الهی نیز توجه جدی به حق حیات انسان شده است و مجازات سلب جان آدمی را قصاص دانسته است. عدم پذیرش خودکشی از جانب ادیان الهی نمونه بارز چنین توجهی است.

باتوجه به حضور شریعت اسلام در ایران، جمهوری عربی مصر و تونس، انتظار می رود که باتوجه به مبانی دینی این شریعت توجه جدی به حق حیات در قوانین اساسی هر سه کشور وجود داشته باشد. براساس اصل بیست و دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: «حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند»، باتوجه به این اصل مقنن اساسی تلاش کرده است تا حق حیات شهروندان ایرانی را به عنوان حقی

مسامحه ناپذیر به رسمیت بشناسد، همچنین در اصل سی و هشتم مقنن اساسی: «هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و کسب اطلاع را ممنوع دانسته است». اما نیک روشن است که تضمین حق حیات تنها در به رسمیت شناختن آن در قانون اساسی یا تعیین مجازات قصاص برای فرد قاتل نیست، بلکه حق حیات مجموعه‌ای از استانداردهای زندگی بشری است که به دوام و بقا حیات او منجر می‌شود. استاندارد‌های بهداشتی، روانی و حتی استاندارد‌های تغذیه، برای مصون دانستن جان افراد از تعرض، تضمین قدرتمندی در ضمانت حق حیات است. از این رو، به نظر می‌رسد تضمین حق حیات در تمامی ابعاد آن در قانون اساسی جمهوری اسلامی وجود ندارد. در مقابل در اصل پنجاه و نه قانون اساسی جمهوری عربی مصر، داشتن زندگی امن حق هر انسانی دانسته شده است، همچنین در اصل ۶۰، پیکر و بدن انسان را دارای حرمت و تجاوز، تنبیه شدید، قاچاق انسان و اعضای بدن و انجام هرگونه معاینات پزشکی بدون رضایت و غیر متعارف را ممنوع می‌داند. همچنین در اصل پنجاه دو، شکنجه با همه اشکال آن را جرم انگاری کرده است. قانون اساسی تونس در اصل ۲۲ خود حق برزیستن را یک حق مقدس می‌داند که جز در موارد مصرح در قانون نمی‌توان آن را از کسی سلب کرد. همچنین در اصل ۳۸ سلامتی را حق همه‌ی ابنای بشر دانسته و در اصل ۴۴، حق بهره‌بردن از آب سالم را برای تمامی شهروندان تضمین شده می‌داند. این تضمین از آن جهت مهم است که یکی از ضرورت‌های حفظ حیات انسان برخوردار از آب سالم و دسترسی به آن است که قانون اساسی تونس به نحو آسان بدان توجه نموده است.

آزادی تن از دیگر حقوق برجسته‌ی فردی است که باید هر فردی در یک جامعه‌ی مدنی دموکراتیک باید از آن برخوردار باشد و عبارت است از آزادی رفت و آمد و اقامت و منع تبعیدهای خود سرانه، در موضوع آزادی رفت و آمد قانون اساسی جمهوری مصر تصریح بهتری دارد و در اصل ۶۲ قانون اساسی، آزادی رفت و آمد، اقامت و مهاجرت را تضمین نموده است و مقرر داشته است نمی‌توان مانع بازگشت افراد به قلمرو کشور شد و در اصل ۶۳، تمامی اشکال تبعید اجباری را ممنوع دانسته است. در اصل ۳۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز مقرر شده است: هیچ‌کس را نمی‌توان از محل اقامت خود تبعید کرد یا از اقامت در محل مورد علاقه اش ممنوع یا به اقامت

در محلی مجبور ساخت، مگر در مواردی که قانون مقرر می دارد. قانون اساسی تونس نیز در انتهای اصل ۲۴ حق انتخاب محل اقامت، انتقال به مکان در داخل کشور و مهاجرت را به رسمیت می شناسد. در اصل ۲۵ خود نیز تبعید و اخراج و سلب تابعیت شهروندان را ممنوع می کند.

۲-۱. آزادی بیان و عقیده

یکی از حقوق و آزادی ها که از آن به مادر سایر آزادی ها تعبیر شده و به حقوق بدیهی انسان اشاره دارد حق آزادی سخن، نوشتن و ارائه ی افکار نظریات و ایده هاست. در این آزادی انسان هر آنچه را که می فهمد و درک می کند می تواند به سایر انسان ها و هم نوعان خود منتقل کند. انتشار دهد و فاش سازد. البته دامنه ی این آزادی در کلیه ی آزادی های اساسی دیگر نیز متجلی است. انسانی که در بیان آزاد باشد در انتقاد آزاد باشد در افشا و بیان ایده های خود آزاد باشد در سایر حقوق و مطالبات خود نیز خواستار آزادی خواهد بود. پس بی راه نیست تا آزادی بیان را که ثمره ی آن، آزادی مطبوعات، آزادی قلم و آزادی انتقاد است را مادر حقوق و آزادی های انسان بنامیم. چرا که انسان با ابزار زبان و یا قلم می تواند از حقوق خود حفاظت و حراست کند و با زبان است که می تواند ایده و افکار خود را منتقل کند (خانی، عبدی، ۱۳۹۶: ۹). آزادی بیان در طول تاریخ آرمان بشری بوده و بشریت برای تحقق آن هزینه های زیادی متحمل شده است و مفهومی آمیخته با دموکراسی و کلید صیانت از حقوق بنیادین فردی است (Mendel, 2008, p142) آزادی بیان و عقیده تنها منحصر در آزادی گفتار نیست؛ بلکه آزادی اندیشه، مذهب و آئین، اخبار اطلاعات و نمایش را در بر می گیرد. اما در این میان آزادی اندیشه یکی از جلوه های تابناک حقوق انسانی است (قاضی شریعت پناهی، ۱۳۹۵: ۱۴۷) اولین قانون مرتبط با آزادی بیان و کنترل رسانه ها، به طور ویژه در ۱۸۸۱م به تصویب رسیده است (J.napoli, Y.amin, 1997, p189) روزنامه نگاری در جامعه عرب به ویژه شمال آفریقا حتی در دوران حکومت دیکتاتور ها قدرت و حررات فراوانی داشته است با توجه به این مهم، قانون اساسی جمهوری عربی مصر در اصل شصت و چهارم آزادی عقیده را مطلق می داند و آزادی انجام آداب و رسوم دینی را و تاسیس مراکز مذهبی را برای سایر

ادیان حقی میدانند که چگونگی آن قانون معین می‌کند. در اصل ۶۵ آزادی بیان و اندیشه را تضمین شده می‌داند. همچنین در اصل ۷۱ آزادی مطبوعات و چاپ و نشر مقالات را تضمین می‌نماید. همچنین در بنای استوارتری در اصل هفتاد و یک: هرگونه نظارت بر روزنامه‌ها و رسانه‌های مصری، مصادره، توقیف و تعطیلی آنها را ممنوع مقرر می‌کند مگر در موارد خاص و در اصل هفتاد و دوم مقرر می‌دارد: دولت متعهد به تضمین استقلال مطبوعات و موسسات رسانه‌ای متعلق به دولت، برای اطمینان از بی‌طرفی و بیان تمام دیدگاه‌ها و گرایش‌های سیاسی و فکری و منافع اجتماعی است و مساوات و برابری فرصت‌ها را در انعکاس افکار عمومی تضمین می‌نماید. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل بیست و سوم مقرر شده است: «تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ‌کس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مواخذه قرار داد». در اصل بیست و چهارم نیز نشریات و مطبوعات در بیان را آزاد می‌داند مگر آنکه مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشد. همچنین در اصل بیست و پنجم، استراق سمع و بازرسی و نرساندن نامه‌ها و ضبط و فاش کردن آنها را ممنوع می‌داند.

قانون اساسی جمهوری تونس در اصل سی و یکم، آزادی عقیده، اندیشه، بیان، اطلاعات و انتشارات را تضمین کرده و اعمال نظارت و سانسور پیشینی این آزادی‌ها را مجاز ندانسته است. همچنین در اصل ۳۲ حق بر اطلاعات و دسترسی به اطلاعات و حق اتصال به شبکه‌های ارتباطی را تضمین کرده است.

مقنن اساسی در قانون اساسی جمهوری عربی مصر، دغدغه بیشتری نسبت به تضمین آزادی بیان و آزادی مطبوعات و اندیشه داشته است. مقنن اساسی در قانون اساسی جمهوری عربی مصر آزادی اندیشه را مطلق می‌داند در حالی که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران چنین تضمین محکمی را ندارد. همچنین مقنن اساسی در قانون اساسی تونس حق دسترسی به اطلاعات و شبکه‌های ارتباطی را تضمین کرده است در حالی که چنین تضمین‌هایی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران وجود ندارد. ممیزی و سانسور کتب قبل از چاپ در هر دو قانون اساسی تونس و مصر است. پذیرفته نشده

۳-۱- آزادی اجتماعات موقت و دائمی

آزادی اجتماعات یکی از آزادی های اساسی است و عبارت است از این که افراد بتوانند آزادانه و به طور مسالمت آمیز دور هم گرد آیند و از افکار عقاید یکدیگر بهره ببرند (طباطبایی، ۱۳۹۴: ۹۰). آزادی اجتماعات در دو بعد اجتماعات موقت (تظاهرات، راه پیمایی، مارش و ...) و اجتماعات دائمی به صورت تشکیل انجمن ها، سندیکا ها و اتحادیه های صنفی، فرهنگی محیط زیستی و .. شکل می گیرد. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل ۲۷ تشکیل اجتماعات و راه پیمایی ها، بدون حمل سلاح به شرط آنکه محل به مبانی اسلامی نباشد را آزاد می داند و درباره ی اجتماعات دائمی در اصل ۲۶ تشکیل احزاب، جمعیت ها، انجمن های سیاسی، صنفی و انجمن های اسلامی و اقلیت های دینی را مشروط به اینکه اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند، آزاد پذیرفته است. با توجه در اصول بیست و ششم و بیست و هفتم به نظر می رسد مقنن اساسی نگاه محتاط گرایانه ای به حق برگزاری تجمعات داشته است و مشخص نکرده که کدام مرجع صالح برای تشخیص عدم اخلاف به اسلام توسط یک تجمع است در کنار آن تبیین عدم نقض استقلال، آزادی، وحدت ملی و اساسی جمهوری اسلامی توسط یک اجتماع دائمی هم کاملاً گنگ می نماید که می تواند حق اجتماعات آزاد شهروندان ایرانی را تحدید کند. اما در قانون اساسی جمهوری عربی مصر در اصول ۷۳، ۷۴ و ۷۵ به نحو بسیار بهتری حق آزادی اجتماعات شهروندان مصری تضمین شده است در این باره در اصل ۷۳ مقرر شده است: شهروندان اجازه ی برگزاری تجمعات عمومی و راه پیمایی ها و تظاهرات و همه ی انواع آن را بدون حمل سلاح و اطلاع قبلی به نحوی که قانون معین نموده دارند، اجتماعات خاص مسالمت آمیز بدون نیاز به اطلاع قبلی، تضمین شده است و ماموران امنیتی حق حضور، یا کنترل یا استراق سمع آن را ندارند. در ادامه در اصول ۷۶ و ۷۷ ایجاد تشکل های سندیکایی یک حق براساس دموکراسی شناخته شده است که چنین تأکیدی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران وجود ندارد و همیشه فعالیت سندیکاها، به ویژه سندیکاهای کارگری در ایران با محدودیت هایی روبه رو بوده است. قانون اساسی تونس در اصل ۳۷ آزادی اجتماعات و تظاهرات را تضمین کرده و در

اصل ۳۷ حق تشکیل اتحادیه‌ها و سندیکاها را پذیرفته اما ارتش، گمرک و نیروهای امنیت داخلی را مستثنی کرده است.

آزادی اجتماعات را می‌توان زیر مجموعه‌ای از حق آزادی بیان دانست چرا که افراد در تجمعات موقت و دائمی ایده و افکار خود را ابراز می‌دارند. ضعف قوانین اساسی در پذیرش یا تضمین حق اجتماعات دائمی و موقت می‌تواند ضربه‌ی بزرگی بر کالبد آسیب پذیر آزادی بیان داشته باشد.

۱-۴. آزادی کسب و کار

هر انسانی برای دوام حیات، به نقش آفرینی در جامعه و کسب و کار نیاز دارد و باتوسل به شغل می‌تواند نیازهای خود و خانواده‌اش را تامین کند. آزادی شغل لازمه‌ی حکومت انسان بر سرنوشت اجتماعی خویش است زیرا یکی از عوامل همبستگی اجتماعی، چگونگی ارتباط با دیگران و نقشی است که شخص بر عهده می‌گیرد (کاتوزیان، ۱۳۸۴: ۴۳۷). آزادی کسب و کار به قدری اهمیت دارد که امروزه حمایت از آن به عنوان یکی از معیارهای جدی دموکراسی مطرح است. مقنن اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل ۲۸ در رابطه با حق آزادی شغل این چنین اعلام می‌دارد: هر کس حق دارد، شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست برگزیند دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید. همچنین در اصل بیست و دوم: حیث، جان، حقوق، مسکن و شغل اشخاص را از تعرض مصون می‌داند مگر در مواردی که قانون تجویز کند. بر اصل آزادی شغل در جوامع دینی محدودیت‌های وارد می‌شود که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز چنین محدودیت‌هایی وارد شده ولی این محدودیت‌ها نباید به حدی توسیع گردد که حقوق فردی شهروندان را ضایع کند. بر اصل آزادی کسب و کار، محدودیت کار مشروع و انطباق با نظم عمومی و اخلاق حسنه وارد شده است.

در قانون اساسی جمهوری عربی مصر در ارتباط با آزادی شغل و کار در اصل دوازدهم مقرر شده است: داشتن کار حق، وظیفه و افتخار برای همه شهروندان است و دولت برای همه آن را تضمین می کند. هیچ یک از شهروندان جامعه را نمی توان به انجام کاری مجبور ساخت جز به موجب قانون و برای انجام خدمات عمومی و مدت محدود و با اجرتی عادلانه، بدون اینکه به حقوق اساسی مکلفان به انجام کار، اخلاقی وارد گردد. مقنن اساسی جمهور عربی مصر کار و شغل را حق، وظیفه و افتخاری برای شهروندان مصری شناخته است و از طرفی کار اجباری را ممنوع دانسته است در اصول دیگری از جمله در اصول ۱۳ و ۱۴ از حقوق کارگران حمایت جدی نموده و تصدی مناصب عمومی را براساس شایستگی و لیاقت حق تمامی شهروندان دانسته است و در یک رویکرد حقوق بشری و مترقی در اصل پانزدهم حق اعتصاب را پذیرفته و مقرر داشته است: اعتصاب مسالمت آمیز حقی است که قانون چگونگی آن را مشخص می نماید. این در حالی است که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به حق اعتصاب توجهی نداشته و آن را مورد شناسایی قرار نداده در ادامه، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با وجود شناسایی حق بر شغل در اصل ۲۸ مشاغل و مناصب عمومی و عمدتاً مناصب سیاسی را منحصر در شهروندان مسلمان ایرانی دانسته به صورتی که در اصول متعدد قانون اساسی شرط دسترسی به چنین جایگاه های تدین به دین اسلام یا مذهب شیعه اثنی عشری تجویز شده که در مغایرت با حق بر شغل و دسترسی برابر به مناصب عمومی و سیاسی و همچنین مغایر با اصول نوزده و بیستم و بند نهم اصل سوم قانون اساسی است که بر حقوق برابر و حمایت یکسان قانونی و رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمامی زمینه های مادی و معنوی تاکید دارند. براساس اصول ۱۰۹ رهبر، ۱۱۵ رئیس جمهور، ۱۱۴ عضویت در ارتش، ۱۵۷ رئیس قوه قضائیه، ۱۶۲ رئیس دیوان عالی کشور، ۹۱ فقها و حقوقدانان شورا نگهبان، منحصر در ایرانیان مسلمان است. همچنین شرایط برابر برای زنان در دسترسی به تمامی مشاغل و جایگاه ها متوجه نیست. اما قانون اساسی تونس در تضمینی محکم تر از قانون اساسی ایران حق بر شغل برای همه ی مردان و زنان به صورت برابر با شرایط مناسب و مزد عادلانه (اصل ۴۰) را پذیرفته و در اصل ۳۷ حق بر اعتصاب را پذیرفته است. حق اعتصاب از آن جهت دارای

اهمیت است که تنها راه مسالمت آمیز و اصلی ترین حربه‌ی کارگران برای احقاق حقوق خویش است و عدم توجه به این حق سبب تضييع حقوق کارگران در شرایط نابرابر با کارفرمایان می شود.

۵-۱. حق بر آموزش

از بدو حیات آدمی آموزش و یادگیری با او عجین بوده است بر خلاف حیوانات که همیشه از قدرت غریزه و ذاتی برخوردار بوده اند. آموخته های ابتدایی انسان همچون روشن کردن آتش یا کشاورزی تحولات بزرگی در زندگی او ایجاد کرده است. بر همین اساس آموزش و امکان یادگیری جز جدایی ناپذیر زندگی انسان است.

حق بر آموزش از حقوق اولیه‌ی بشری است که فارغ از زمان و مکان و مسائلی از قبیل؛ جنسیت، زبان، نژاد، دین و قومیت می بایست در مورد تمامی اشخاصی که متولد می شوند تا زمانی ادامه یابد که می میرند (اخوان فرد، طالقانی، ۱۳۹۴: ۸۹) اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر در تاکید بر حق آموزش در ماده‌ی ۲۶ خود اعلام می دارد: هرکس حق دارد که از آموزش و پرورش بهره مند شود. آموزش و پرورش لااقل تا حدودی که مربوط به تعلیمات ابتدایی و اساسی است باید مجانی باشد. آموزش ابتدایی اجباری است. آموزش حرفه‌ای باید عمومیت پیدا کند و آموزش عالی باید شرایط متساوی کامل، به روی همه باز باشد تا همه، بنا به استعداد خود بتوانند از آن بهره مند گردند.

در بند سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، دولت موظف شده است آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه، در تمام سطوح و تسهیل و تعمیم آموزش عالی را فراهم نماید. همچنین در اصل سی ام مقرر شده است: دولت موظف و وسائل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسائل تحصیلات عالی را تا سرحد خود کفایی کشور به طور رایگان گسترش دهد. توجه مقنن اساسی در قانون اساسی ایران به حق بر آموزش و موظف دانستن دولت به گسترش و تعمیم آن در تمامی سطوح رویکرد قابل قبولی است ولی عدم توجه به سایر اجزا حق بر آموزش همانند حق بر آموزش زبان مادری در مدارس، در کشوری همانند ایران

که دارای تنوع قومی و زبانی است از قوت قانون اساسی می کاهد. نکته ی دیگری که در قانون اساسی فعلی مغفول مانده است حق بر آموزش اقلیت های دینی است و بروشنی مشخص نگردیده است که شهروندان اقلیت دینی از چه حقوقی در زمینه ی حق بر آموزش برخوردار هستند.

قانون اساسی تونس در اصل ۳۹ آموزش تا ۱۶ سالگی را اجباری دانسته و حق بر آموزش رایگان را تضمین شده دانسته است. در قانون اساسی جمهوری عربی مصر در اصل نوزدهم آموزش حق همه شهروندان مصری دانسته شده و دولت موظف شده است تا پایان دوران دبیرستان براساس استاندارد های جهانی چنین آموزش هایی را به صورت رایگان فراهم نماید. همچنین در اصل بیستم دولت موظف به تشویق و ترغیب آموزش فنی و کسب و کار شده است. در اصل بیست و پنجم، نیز دولت ملزم به تدوین طرحی جامع جهت غلبه بر بی سوادی و ریشه کن کردن آن از میان شهروندان شده است. اما قانون اساسی مصر نیز از همان ضعف قانون اساسی ایران برخوردار بوده و بیش از توجه به تنوع زبانی و حق بر آموزش آن بر وحدت زبانی تاکید کرده است. قانون اساسی تونس رویکرد استوارتری در توجه به حق آموزش داشته است.

۶-۱. حمایت از حقوق زنان

زنان نیمی از اعضای جامعه بشری هستند و نمی توان این قسم بزرگ از اعضای جامعه ی بشری را نادیده گرفت و حیات، کرامت و حقوق این قسم بزرگ از جامعه باید همانند قسم دیگر آن مورد توجه قرار بگیرد. وجود تبعیض های ناروا میان زنان و مردان و یا نقض حقوق بدیهی آنان با هیچ منطق حقوقی و انسانی سازگار نیست و هیچ مصلحتی تاب برابری در برابر حقوق برابر زنان و مردان را ندارد. اما باز چالش های جدی به ویژه در جوامع سنتی و دینی نسبت به حقوق زنان وجود دارد.

قانون اساسی جمهوری عربی مصر، با صراحتی ستودنی در اصل یازدهم خود دولت را متعهد به رعایت مساوات میان زن و مرد در تمام حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می کند و در این باره اعلام می دارد: دولت متعهد است مساوات را میان زن و مرد در تمام حقوق

مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی براساس احکام قانون اساسی مراعات نماید. دولت تدابیر تضمینی را اتخاذ می‌کند که به واسطه آن، نمایندگی زنان به شکلی مناسب در مجلس تضمین شود و قانون شرایط آن را مشخص خواهد کرد. به همان صورت زنان حق اشتغال به وظایف عمومی، ادارات کلان دولتی و انتصاب در مراجع و سازمان‌های قضایی را بدون هرگونه تبعیض دارا هستند. دولت باید از زنان در مقابل اشکال مختلف خشونت، حمایت نماید و دولت موظف به ایجاد هماهنگی بین ادای وظایف خانوادگی و شغلی زنان است. همچنین دولت موظف به ارائه خدمات لازم و رایگان به مادران و کودکان، زنان سرپرست خانوار، سالخورده و زنان به شدت نیازمند است. در قانون اساسی تونس در اصل بیست و یکم مقرر شده: همه‌ی زنان و مردان تونسی در حقوق و تکالیف برابرند و در مقابل قانون بدون هیچ‌گونه تبعیضی مساوی هستند. دولت برای همه مردان و زنان، حقوق و آزادی‌های عمومی را تضمین نموده و لوازم زندگی شرافتمندانه را فراهم می‌کند. همچنین در اصل ۳۴ خود حق نمایندگی زنان در مجالس انتخابی را تضمین کرده است. در ادامه در اصل چهارم و ششم قانون اساسی تونس دولت ملزم به حمایت از حقوق مکتسبه زنان، برابری فرصت‌ها در میان زنان و مردان برای پذیرش مسئولیت‌های گوناگون و ریشه‌کنی خشونت علیه زنان شده است. اما در مقابل قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با توجه به صراحت اصل نوزدهم و بیستم در حقوق برابر و حمایت یکسان قانونی زنان و مردان و بند نهم اصل سوم قانون اساسی در رفع تبعیضات ناروا، برابری حقوق زن و مرد در ۲۱ به صراحت مورد پذیرش قرار نگرفته و به رعایت موازین اسلامی مقید شده است. گرچه حمایت از مادران به خصوص در دوران بارداری و حضانت فرزند و حمایت از کودکان بی سرپرست مشخص گردیده ولی باز قابل قیاس با اهتمام الگوهای بین‌المللی و قانون اساسی جمهوری عربی مصر و تونس نیست و تا به امروز هیچ زنی در ایران به مقام ریاست جمهوری نرسیده است.

۷-۱. حریم خصوصی

صیانت از حریم شخصی و حفظ آن، حقی محترم و غیرقابل انکار برای هر انسانی بوده است به تبع آن حفظ حریم شخصی انسانها در مکاتبات، مراسلات و ارتباطات نیز دارای اهمیت فزاینده است. امروزه حریم خصوصی و حمایت از ارتباطات و مکاتبات یکی از ارزشمندترین مفاهیم نظام های حقوقی توسعه یافته است که ارتباط تنگاتنگی با کرامت انسانی دارد (انصاری، ۱۳۸۳: ۲). با توسعه ی ارتباطات و افزایش فناوری های الکترونیکی در جهت سهولت آن بر مطالبه گری حفظ حریم خصوصی نیز افزوده شده و این انتظار می رود که در قوانین اساسی و عادی، دولت ها متعهد به حفظ حریم شخصی شهروندان و صیانت از آن گردند و با هر بهانه ای آن را نقض نکنند.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به صراحت از حق بر حریم خصوصی و حفظ آن سخنی گفته نشده است ولی در اصل ۲۵ بر حفظ حریم شخصی در ارتباطات و مراسلات تاکید کرده و مقرر داشته است: «بازرسی و نرساندن نامه ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آنها، استراق سمع و هرگونه تجسس ممنوع است مگر به حکم قانون». غیر از اصل بیست و پنجم در اصل بیست و سوم نیز به نحوی بر حفظ حریم شخصی توجه شده و در اصل بیست و دوم، حیثیت، جان، مال و حقوق اشخاص را از تعرض مصون دانسته است ولی نتوانسته است با تأکیدی محرز آن را به رسمیت شناخته و به عنوان یک مطالبه ی پذیرفته شده جلوه ی قانونی دهد.

در اصل ۲۴ قانون اساسی تونس، دولت به حفظ حق بر حریم خصوصی، حرمت مسکن و محرمانه بودن مراسلات، ارتباطات و اطلاعات شخصی موظف شده است و تفصیل دیگری در آن مشاهده نمی گردد. در قانون اساسی جمهوری عربی مصر، در اصول ۵۷ و ۵۸ حفظ حریم خصوصی شهروندان مصری مورد تاکید قرار گرفته و با صراحت در اصل ۵۷ مقرر کرده: «زندگی خصوصی افراد دارای حرمت است و مصون بوده و دور از تعدی و تجاوز است...» در ادامه، این اصل نامه های پستی و ارتباطات شهروندان مصری را مصون دانسته است که «ضبط و بازرسی آن ها جز با حکم قضایی مدلل و برای مدت معین و شرایطی که قانون آن را مشخص می نماید مجاز نیست..»

نکته‌ی دیگری که باعث برتری قانون اساسی جمهوری عربی مصر در توجه به حریم خصوصی شهروندان نسبت به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران شده، قسمت انتهایی اصل ۵۷ است که مقرر کرده: «... دولت موظف به حمایت از حق شهروندان در استفاده از وسائل ارتباطات عمومی در تمام انواع آن می‌باشد. ممانعت توقیف و تحریم آن بر شهروندان به شکل خودسرانه مجاز نیست. قانون حدود آن را مشخص می‌کند» موضوعی که در چندین سال اخیر با تحریم و فیلتر وسائل ارتباطات جمعی و پیام رسان‌ها در ایران از جانب حاکمیت به یک چالش جدی تبدیل شده است و روشن نیست که چگونه می‌توان حق دسترسی شهروندان به وسائل ارتباطات جمعی را با بهانه‌های واهی محدود کرد.

۸-۱. اصل امنیت

اصل امنیت فردی در حقیقت حمایت از فرد در قبال بازداشت‌های خودسرانه، غیرقانونی و نامحدود است برای پیش‌گیری از سوءاستفاده قدرت‌ها، اصل بر این است که هیچ بازداشتی صورت نمی‌گیرد؛ مگر آنکه مجوز آن از طرف مقام صالح قضایی صادر شده باشد. (قاضی شریعت پناهی، ۱۳۸۹: ۱۴۵) در پرتو اصل امنیت، اصل قانونی بودن جرم و مجازات متولد شده است که یکی از اصول بنیادین حقوق کیفری است در لوای اصل مذکور تمامی جرائم و مجازات باید از قبل توسط قانون پیش‌بینی گردد. این اصل در تدوین قوانینی اساسی و عادی همیشه مورد توجه بوده و در شریعت مقدس اسلام نیز قاعده‌ی قبح عقاب بلا بیان بر این اصل منطقی صحه گذاشته است. (میلانی، سامانی، ۱۳۹۴: ۲۰) اهمیت این اصل به این دلیل است که از آزادی شهروندان و آزادی رفت و آمد آنان حمایت می‌کند. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل سی و دوم خود اصل امنیت را پذیرفته و مقرر داشته است: «هیچ کس را نمی‌توان دستگیر کرد؛ مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتبا به متهم ابلاغ و تفهیم شود و ظرف مدت بیست و چهار ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالحه‌ی قضایی ارسال و مقدمات محاکمه، در اسرع وقت فراهم گردد. متخلف از این اصل طبق قانون

مجازات می شود». همچنین در اصول ۳۶ و ۳۷ حکم به مجازات و اجرای آن را تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون پذیرفته و اصل را بر براءت شهروندان قرار داده مگر اینکه جرم فردی در دادگاه صالح ثابت شود.

به نظر می رسد رویکرد قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در توجه به اصل امنیت بتواند مطالبات پیرامون آن را پاسخ دهد؛ اما بازداشت های طولانی مدت هرچند به حکم دادگاه می تواند اقتضای اصل امنیت که تامین آزادی و امنیت شهروندان است را با بهانه های واهی نقض کند. از این رو، توجه به اصل امنیت اقتضا می نمود قانون اساسی امکان بازداشت و حبس های قانونی نیز را منوط به مدت زمان های مشخص و تمديد مکرر آن را با محدودیت هایی مواجه می ساخت. قانون اساسی جمهوری عربی مصر نیز به اصل امنیت توجه کرده و بصورت مفصل در اصول پنجاه و چهار و پنجاه و پنج خود بدان پرداخته است. در اصل پنجاه و چهار قانون اساسی، آزادی شخصی به عنوان حق طبیعی دانسته شده و دستگیری، بازرسی و زندانی نمودن هر فردی را منوط به حکم قضایی مدلل و اطلاع از مفاد بازجویی کرده است. همچنین آغاز رسیدگی قضایی به پرونده ی متهم را تنها با حضور و کیل او امکان پذیر دانسته است. قانون اساسی تونس نیز در اصل ۲۹ دستگیری و توقیف شخص تنها در حالت ارتکاب جرم و براساس حکم قضایی را می پذیرد.

نتیجه گیری

صاحبان حقیقی هر حکومتی در واقع مردم هستند، نمی توان حکومتی را تصور کرد که در آن از عنصر جمعیت و مردم خبری نباشد، بنابراین با توجه به اینکه اساسی ترین عنصر تشکیل هر حکومتی مردم و اعضای جامعه هستند. حقوق شهروندی باید در بالاترین حد خود باشد و ادعای داشتن یک حکومت مردم سالار و دموکراتیک بدون توجه به حقوق شهروندی و فردی ادعایی واهی و پوچ است برای اینکه یک قانون اساسی بتواند چهره ی دموکراتیک و مردم سالار به خود بگیرد باید نگاه در خور شانی به حقوق شهروندان داشته باشد مبنای حکومت در قوانین اساسی جمهوری اسلامی ایران و جمهوری عربی مصر و تونس، جمهوریت یا حکومت بر مبنای نظر

اکثریت مردم است. نگاه قوانین اساسی مذکور به مهم‌ترین مولفه‌های حقوق شهروندی مطلق انگارانه نبوده و محدودیت‌هایی را بر آنها وارد دانسته‌اند. محدودیتی‌هایی که احتمال برداشت سلیقه‌ای از آن‌ها می‌رود در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران پررنگ‌تر است. قانون اساسی جمهوری تونس محدودیت‌های اعمال شده بر حقوق و آزادیهای تضمین شده در قانون اساسی را تنها در چارچوب قانون می‌پذیرد و اعمال محدودیت‌ها را فقط زمانی می‌پذیرد که باعث آسیب به جوهره‌ی آنها نگردد و حمایت از حقوق و آزادی‌های در برابر نقض و تخلف از آنها را به مراجع قضایی سپرده است. در قانون اساسی ایران مرجع مشخصی در برابر تخلف و نقض حقوق شهروندی پیش‌بینی نشده است گرچه دادگستری و دادگاه‌های عمومی مرجع رسمی تظلمات هستند

آزادی بیان و مطبوعات، برابری حقوق زنان و مردان، حفظ حریم شخصی، حق بر آموزش شهروندان، در قانون اساسی جمهوری عربی مصر و تونس ضمانت‌های قوی‌تری را دریافت کرده‌اند

حق کسب و کار و اشتغال در قوانین اساسی جمهوری عربی مصر و تونس و برابری زنان و مردان در پذیرش مسئولیت‌های سیاسی در شرایط بهتری از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران قرار دارد. حق اعتصاب در توجه به حقوق کارگران در قوانین اساسی تونس و مصر تضمین شده هستند درحالی که در قانون اساسی ایران چنین تضمینی دیده نمی‌شود. توجه ویژه به حقوق کودک، حق بر برخورداری از آب سالم و حقوق مکتسبه‌ی زنان از نکات قوت قانون اساسی تونس است. توجه قوانین اساسی به الگوهای مطلوب شهروندی و اسناد بین‌المللی در میان هر سه قانون اساسی مذکور به چشم می‌خورد گرچه همراه با ضعف قوت‌هایی شده است.

منابع و ماخذ

الف) کتاب ها

۱. - پروین، خیرا...، (۱۳۹۳)، **مبانی حقوق عمومی**، تهران، انتشارات سمت.
۲. - طباطبایی مومنی، منوچهر، (۱۳۹۲)، **آزادیهای عمومی و حقوق بشر**، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۳. - عباسی، بیژن، (۱۳۹۴)، **حقوق اساسی تطبیقی**، تهران، نشر دادگستر.
۴. - قاضی شریعت پناهی، ابوالفضل، (۱۳۹۴)، **بایسته های حقوق اساسی**، تهران، میزان.
۵. - کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۴)، **مبانی حقوق عمومی**، تهران، میزان.
۶. - مجتهدی، محمدرضا، (۱۳۹۱)، **حقوق تامین اجتماعی**، تبریز، انتشارات آیدین.
۷. - مدنی، سیدجلال، (۱۳۸۸)، **کلیات حقوق اساسی**، تهران، انتشارات پایدار.
۸. - مظهری، محمد، قاسم آبادی، مرتضی، جنگجوی، فرزاد، (۱۳۹۴) **قانون اساسی جمهوری عربی مصر**، تبریز، انتشارات آئین دادرسی.
۹. قانون اساسی تونس، تبریز، انتشارات یانار-آیدین.

ب) مقاله ها

۱) منابع فارسی

۱. - آقایی طوق، مسلم، غمامی، مهدی، (۱۳۹۱)، «**تحولات حقوق و آزادیهای شهروندی در مصر مبتنی بر قانون اساسی ۲۰۱۲م**»، فصلنامه بررسی های حقوق عمومی، سال اول، شماره اول. صص ۱-۲۲.
۲. - انصاری، باقر، (۱۳۸۳)، «**حریم خصوصی و حمایت از آن در حقوق اسلامی تطبیقی و ایران**»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۶۶، شماره ۰، صص ۱-۵۰.

۳. -اخوان فرد، مسعود، طالقانی، حسین، (۱۳۹۳)، «تکلیف بر رعایت حق بر آموزش در حقوق اسلامی و مقررات حقوق بشر»، فصلنامه فقه و مبانی حقوق اسلامی، سال هشتم، شماره ۴، صص ۸۹-۱۰۴.
۴. -خانی، وحید، عبدی، مرتضی، (۱۳۹۶)، «بررسی تطبیقی حقوق و آزادیهای عمومی در قانون اساسی مشروطه و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، اولین همایش ملی دولت مشروطه در ایران، صص ۱-۲۲.
۵. -سررشته ایزد موسی، فاطمه، برزگر، کیهان، (۱۳۹۴)، «جایگاه حق بر تامین اجتماعی در اسناد روابط بین الملل»، فصلنامه رهیافت های سیاسی و بین المللی، سال هفتم، شماره ۴، صص ۱۵۲-۱۷۱.
۶. -سراجی، محمود، (۱۳۸۸)، «حقوق ملت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال پنجم، شماره ۱۶، صص ۱۱-۴۲.
۷. -کعبی، عباس، علم الهدی، سید حجت، فتاحی زفرقندی، علی، (۱۳۹۴) «تحلیل و بررسی قانون اساسی مصر (۲۰۱۲)»، فصلنامه بررسی های حقوق عمومی، شماره اول، صص ۶۷-۹۱.
۸. -میلانی، علیرضا، سامانی، خلیل، (۱۳۹۴)، «اصل قانونی بودن جرائم و مجازات ها»، فصلنامه مطالعات علوم تجربی، دوره اول، شماره اول، صص ۱۹-۲۵.

۲) منابع عربی

۱. -جبابلیه، عبدالحفیظ، (۲۰۱۷)، «سیناریوهات الانتقال الديمقراطية المصری فی ظل الحکم العسکری»، المجله الجزائریة الامن و التنمية، العدد العاشر، جانفی، صص ۳۹۸-۴۲۳.

منابع انگلیسی

1. –Napoli, James, Amin, Hussein(1997) : press freedom and commutation in Africa, world press.
2. –Mendel ,Toby, (2008) , Restricting Freedom: Standard and Principles Background Paper for Meeting Hosted by UN Special Rapporteur on Freedom of Opinion and Expression, Center for Law and Democracy.

